

حج و امنیت روانی حجاج

مجتبی حیدری*

چکیده

امنیت روانی، از نیازهای اساسی انسان‌ها شمرده می‌شود و تأثیرات مهمی بر زندگی آنها می‌گذارد. حج، یکی از اعمال عبادی است که امنیت در آن مورد توجه قرار گرفته است. خداوند متعال، حرم ابراهیمی را منطفه امن اعلام کرده و از مسلمانان خواسته است که حرمت حرم را نگه‌دارند. ارتباط حج و امنیت روانی حجاج را از چند جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد؛

«امنیت حرم و امنیت روانی»، «مناسک حج و امنیت روانی»، «اماکن حج و امنیت روانی»، «اوقات حج و امنیت روانی».

حکم خداوند به امنیت حرم، تأثیر مهمی در احساس امنیت زائران و آسودگی آنان در انجام مناسک حج دارد. همچنین مناسک حج با متصل کردن بنده به خداوند و نشان دادن حقارت دنیا و مسائل آن، به افراد امنیت روانی می‌دهند.

حضور در اماکن حج؛ از قبیل مسجدالحرام و مسعی نیز باعث آرامش و امنیت روانی زائران می‌شود. وقت حج که در میان ماه‌های حرام قرار گرفته، باعث احساس امنیت زائران خانه خدا می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: امنیت، امنیت روانی، حرم ابراهیمی، امنیت روانی حجاج

بدون شک، از مهم‌ترین نیازهای انسان‌ها در زندگی، داشتن آرامش و امنیت است. تکامل و پیشرفت بشر تنها در سایه امنیت تحقق می‌یابد. هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها، مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و حرکت انسان‌ها برای رسیدن به خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت، امکان‌پذیر نخواهد بود. در واقع دستیابی به موفقیت در زندگی و تلاش برای رسیدن به اهداف والای انسانی، بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی، مشروط به وجود امنیت است (کلاه‌چیان، ۱۳۹۱ش، ص ۹۰).

«امنیت» در لغت به معنای در امان بودن و نداشتن آسیب است (معین، ۱۳۹۳ش؛ ذیل واژه). راغب اصفهانی در تعریف امنیت آورده است: «اصل امنیت، طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). پس از نیازهای زیستی، مهم‌ترین نیاز بشر احساس امنیت و در معرض تهدید نبودن است. به همین دلیل، نیاز ایمنی، اولین نیاز روان‌شناختی محسوب می‌شود. نیاز به امنیت، یکی از ساختارهای اساسی و پایه‌ای مؤثر در تحول شخصیت فرد قلمداد می‌شود و تا زمانی که فرد در زندگی روزمره خود احساس امنیت نکند، ساختار شخصیت او پیشرفت نخواهد کرد (کلاه‌چیان، ۱۳۹۱ش، ص ۹۰). می‌توان گفت امنیت در اصطلاحات مختلف که در علوم گوناگون به خود گرفته (مانند: امنیت ملی، امنیت اقتصادی، امنیت نظامی، امنیت شغلی...)، تقریباً همین معنا (طمأنینه و آرامش نفس و نداشتن ترس و خوف) را البته با توجه به موضوع آن علم، القا می‌کند.

از اقسام مهم امنیت، امنیت روانی است. همان‌طور که از نام آن پیداست، «امنیت روانی» یعنی داشتن روح و روانی آرام و به دور از ترس که در این صورت، زندگی آدمی گوارا و دلپذیر خواهد بود. امنیت روانی زمانی تأمین می‌شود که شخص از علل و عوامل اضطراب و تشویش در امان باشد. در واقع، می‌توان گفت امنیت روانی، عبارت از احساس امنیت است و آن را می‌توان به احساس آزادی نسبی از خطرات تعریف کرد. این احساس، وضع خوشایندی را ایجاد می‌کند و فرد آرامش جسمی و روحی می‌یابد (شاملو، ۱۳۸۶ش، ص ۹۱).

با تعریفی که از امنیت روانی ارائه شد، اهمیت و جایگاه ویژه آن آشکار می‌گردد.

بهره‌مندی افراد یک جامعه از امنیت روانی، موجبات تداوم حیات با نشاط یک امت را فراهم می‌سازد؛ و این، ارزشمندترین سرمایه آن جامعه محسوب می‌شود که پی‌جویی آرمان‌های مردم را امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین، امنیت روانی، به وجود امنیت، از همه جهات بستگی دارد. روح و روان آدمی آنگاه از امنیت برخوردار می‌شود که از همه جهات جانی، مالی، ناموسی و... احساس امنیت کند. هر تهدید و یا احساس تهدید و خطری می‌تواند امنیت روانی آنان را مختل و یا با بحران مواجه کند و افراد را با فقدان امنیت روانی مواجه سازد.

از سوی دیگر، حج به عنوان یکی از عبادات بزرگ، جایگاه ویژه‌ای در اسلام دارد. قرآن کریم، انجام حج را برای همه مسلمانان که استطاعت انجام آن را داشته باشند، واجب کرده است (آل عمران: ۹۷). مناسک حج با رمز و رازهای بسیاری که از آنها برخوردار است مایه آمزش گناهان و تقرب زائران بیت‌الله الحرام به خداوند است و سعادت ابدی آنان را به دنبال می‌آورد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۶ش، ص ۱۴۷).

یکی از موضوعات مطرح درباره حج و حرم الهی، امنیت آن است. مکه شهر امن الهی است و نباید در داخل حرم جنگ شود و نباید کسی را در آنجا کشت، حتی اگر مستحق کشته شدن باشد (بقره: ۱۹۱)؛ و این از برکت دعای حضرت ابراهیم است که از خدا خواست مکه را شهر امن قرار دهد:

﴿وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا﴾؛ «و هنگامی که ابراهیم گفت:

پروردگارا! اینجا (مکه) را شهر امن قرار ده» (بقره: ۱۲۶)

خداوند دعای ابراهیم را مستجاب نمود و مکه را شهر امن قرار داد و از این‌رو، به مسجدی که کعبه در آن قرار گرفته «مسجد الحرام» گفته می‌شود که کشتار و اجرای حاکم در آنجا حرام است و باید حرمت آنجا حفظ شود (جعفری، ۱۳۷۶ش، ج ۱، صص ۳۵۲ - ۳۵۱).

می‌توان گفت یکی از حکمت‌های حکم به امنیت حرم ابراهیمی، آن است که زائران در جوی امن و آرام به ادای مناسک عظیم حج بپردازند. در اینجا گفتنی است امنیت واقعی آنگاه بر افراد حاکم خواهد بود که آنان از جهات متعدد خود را در امنیت ببینند و از امنیت روانی برخوردار باشند. توجه به ذات ربوبی آنگاه به صورت واقعی

تحقق می‌یابد که افراد احساس آرامش و امنیت روانی داشته باشند. علاوه بر حکم خداوند به امنیت حرم الهی، خود مناسک حج، مکان‌های مختلفی که افراد در آنها به انجام مناسک می‌پردازند و نیز اوقات حج در این زمینه سهیم و دخیل می‌باشند. از این رو، در این نوشتار به بررسی امنیت روانی در حج بر اساس مؤلفه‌های مربوط به خود حج می‌پردازیم:

الف. امنیت حرم و امنیت روانی

گفتیم که خداوند، کعبه و اطراف آن را در محدوده حرم، مورد توجه خاص قرار داده و امن اعلام کرده است. به عنوان مثال، در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...﴾

«آیا ندیدند که ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم را در اطراف آنان (در بیرون این حرم) می‌ربایند؟!» (عنکبوت: ۶۷).

روایات بسیاری نیز بر امنیت حرم تأکید می‌کنند و لزوم رعایت حرمت آن را گوشزد می‌نمایند؛ به عنوان مثال، پیامبر خدا ﷺ در روز فتح مکه فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَرَّمَ مَكَّةَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَهِيَ حَرَامٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ لَمْ يَحِلَّ لِأَحَدٍ قَبْلِي وَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي...»

«همانا خداوند متعال مکه را از روزی که آسمانها و زمین را آفرید، [رعایت حرمت آن را واجب ساخت و شکستن حرمتش را] حرام کرد. پس آن، تا روزی که قیامت بر پا می‌شود حرام است و برای هیچ کس نه قبل از من و نه بعد از من، حلال می‌شود.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۴۵).

خداوند به حرم ابراهیمی امنیت عطا کرده و از انسان‌ها نیز خواسته که با رعایت حرمت آن سرزمین، امنیت را در آن برپا کنند و از هر اقدامی که باعث خدشه‌دار شدن آن می‌شود اجتناب ورزند.

البته در این که منظور از امنیت حرم، آیا امنیت تشریحی است یا علاوه بر آن، حرم دارای امنیت تکوینی نیز هست، میان مفسران اختلاف وجود دارد؛ به عنوان مثال، علامه طباطبایی درباره امنیت مکه می‌نویسد:

«مراد از امنیت در آیه ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ (آل عمران: ۹۷)، امنیت تشریحی است نه تکوینی؛ زیرا جنگ‌ها، کشتارها و ناامنی‌های بی‌شماری در طول تاریخ در اطراف کعبه اتفاق افتاده است. پس اگر امنیتی هست در سایه رعایت حرمت حرم و تعظیم جایگاه آن از سوی مردم است، نه به جهت امن تکوینی» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۵۴).

در مقابل، آیت‌الله جوادی آملی معتقد است با توجه به آیه شریفه ﴿اللّٰذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (قریش: ۴)، همان‌گونه که از لحاظ اعتقادی، با این که مکه محل کشاورزی و دامداری و صنعت نبود، لیکن ساکنان آن، به لطف الهی از گرسنگی و فقر نجات یافته، از نعمت‌های فراوان بهره‌مند شدند، از لحاظ اجتماعی نیز از امنیت تکوینی برخوردار گردیدند؛ گرچه ممکن است خدای سبحان این امنیت را در مقطعی از زمان (به دلیل شرک و سرکشی و کفران) از آنان سلب کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۵۴).

البته حتی اگر بپذیریم که مراد از امنیت حرم در آیات مذکور، امنیت تکوینی است، این امر امنیت تشریحی حرم را نفی نمی‌کند. دعای حضرت ابراهیم علیه السلام که در آن از خدای سبحان امنیت و بهره‌مندی اقتصادی برای سرزمین مکه و ساکنان آن خواسته شده، جامع بین تکوین و تشریح است: ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ﴾ (بقره: ۱۲۶). تنها تکیه‌گاه امنیت بشر، اشیا، اشخاص، مکان‌ها و زمان‌های وابسته به دین است. بر همین اساس، برای حفظ امنیت و مطابقت تشریح با تکوین، دستورهایی داده شده است؛ مانند حرمت حمل سلاح در حال احرام جز در صورت ضرورت و نیز حرمت اظهار سلاح در غیر حال احرام که سبب احساس ناامنی در زائران می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ص ۷۲).

امنیت تشریحی حرم همواره پابرجاست و شکستن حرمت حرم جایز نیست مگر آن که مهاجم، حرمت شکنی کرده باشد که در این حال از باب «وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ» (بقره: ۱۹۴) می‌توان امنیت او را سلب کرد؛ ﴿وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ﴾ (بقره: ۱۹۱). شکستن حرمت حرم امن الهی، گناهی است بزرگ و عقوبت سخت خداوند را در پی دارد (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۲).

امنیت تکوینی و تشریحی حرم ابراهیمی، زمینه‌ساز احساس امنیت زائران خانه خداست تا در شرایطی امن و به دور از هرگونه خطر و احساس ناامنی به عبادت و راز و نیاز با خدا پردازند و از نیایش به درگاه معبود خود بهره‌مند گردند. خداوند با معرفی حرم، به عنوان مکانی امن و به دور از هرگونه خطر، زمینه امنیت خاطر زائران خانه خدا را فراهم آورده است.

ب. مناسک حج و امنیت روانی

عمل حج از مناسک متعددی تشکیل شده است. احرام، طواف، نماز طواف، سعی، وقوف و... هر یک عبادت‌های پررمز و رازی هستند که زائر را با روح دین و بندگی آشنا می‌کنند و او را در مسیر تکامل معنوی به پیش می‌برند.

از سوی دیگر، مناسک حج در کنار اثرات معنوی و ایمانی بر زائران خانه خدا، تأثیرات دیگری نیز بر زائران می‌گذارد که یکی از آنها، ایجاد احساس امنیت در آنان است. یاد خدا همچنین عامل مهمی در آرامش و امنیت روانی است (رعد: ۲۸). اگر انسان در اکثر اوقات به دل متوجه خدای متعال باشد و به زبان بر اذکاری که از طریق شرع رسیده، مداومت کند، انس به حق پیدا می‌کند و کسی که با خداوند انس گرفته باشد به آرامش و امنیت روانی واقعی می‌رسد؛ چرا که خداوند بهترین و امنیت‌بخش‌ترین فرد می‌باشد.

حج، یاد خداست؛ ﴿وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ﴾ (حج: ۲۸)؛ حج گزار، در ایام حج، یاد خدا و عبادت او را به جای می‌آورد؛ زیرا یاد و عبادت خداوند، در کعبه (قدیمی‌ترین مرکز عبادت) از اهمیت خاصی برخوردار است. ذکر خدا مغز و جان حج است، آن‌سان که فراموش کردن خدا و آیات او باعث محروم ماندن از شهود اسرار مناسک حج می‌گردد. حج‌گزاری که خدای سبحان را یاد می‌کند به چیزی نائل می‌شود که دیگران از دیدن و شهود آن عاجز و محروم‌اند. بر این اساس، حج گزار در حج با ذکر و یاد خدا به افزایش و تقویت ایمان خود می‌پردازد که ثمره آن رسیدن به آرامش و امنیت روانی است (خلجی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۷).

هر یک از اعمال و مناسک حج، از چنان ویژگی خاصی برخوردارند که با بردن زائر به کوی دوست و متصل کردن او به ذات بی‌انتهای پروردگار، احساس آرامش و امنیت را برای او به ارمغان می‌آورند. در اینجا به توضیح این مطلب در برخی از مناسک حج می‌پردازیم:

احرام

احرام بستن سه جزء دارد که با انجام آنها احرام محقق می‌شود:

- ۱) پوشیدن دو قطعه لباس نمدوخته (برای مردان)؛
- ۲) قصد حج یا عمره؛
- ۳) لبیک گفتن.

از حدیث امام سجاد علیه السلام با شبلی چنین استفاده می‌شود که احرام بستن بدین معنا است که: «خدایا! ارتباطم را از غیر تو گسستم.» پس این «عقد» و پیمان بستن، «حلی» نیز به همراه دارد و آن گسستن از غیر خداست؛ یعنی احرام، ابتدا گسستن از غیر خدا و آنگاه پیوستن به لطف حق است. آن که هنگام احرام بستن، از قلب نگذراند که: «خدایا! از هر چه غیر توست دست شستم و فقط به ولای تو دل بستم»، او در حقیقت به میقات نرفته و احرام نبسته است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، صص ۳۴۷-۳۴۶). آن که لباس احرام به تن می‌کند و با نیت احرام از روی اخلاص تمام و با توجه به ذات بی‌انتهای خداوند، لبیک می‌گوید، نشان می‌دهد که به سوی خدا روی کرده از هر چه غیر اوست، روی برگردانده است.

اتصال به خداوند که وجودی بی‌انتهای و جامع جمیع صفات نیک است و در کنار آن، دل‌کنند از مسائل و مواهب دنیوی و به طور کلی هر آنچه غیر خداست، دل را آرام می‌کند و به آدمی احساس امنیت می‌دهد؛ چرا که او خود را به وجودی متصل می‌بیند که از همه جهت در نهایت کمال قرار دارد و در کنار آن، خود را از هر چه غیر خداست و می‌تواند اسباب اضطراب و نگرانی او را فراهم سازد، جدا مشاهده می‌کند. در این حالت، امنیت و آرامش وجود او را در بر می‌گیرد. دیگر

نگران نیست که همسر و فرزندانم چه وضعیتی دارند یا پیدا می‌کنند؟ دیگر، احتمال از دست دادن شغل و درآمد، او را مضطرب نمی‌سازد؛ دیگر، مشکلات مالی اسباب ناراحتی و اندوه او نیست؛ دیگر... همه این قبیل مسائل در سایه مشاهده جلال و عظمت الهی رنگ می‌بازد.

طواف

از ارکان مهم حج و از نشانه‌های تجسم توحید در حج، طواف است؛ زیرا طواف بر گرد کعبه، گرچه به منزله نماز است؛ «الطَّوَّافُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ» (علامه حلی، ۱۹۸۲م، ص ۴۷۲)، لیکن آن عبادت ویژه‌ای است که آیه «أَيُّهَا تَوَلَّوْا فَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» (بقره: ۱۱۵) در آن متجلی می‌شود.

بر اساس برخی روایات، کعبه تنزل عرش بوده و محاذی بیت معمور و عرش خدا واقع است؛ یعنی عرش به صورت بیت معمور تنزل کرده و بیت معمور هم به صورت کعبه در عالم طبیعت جلوه کرده است. پس اگر کسی آن‌گونه که شایسته است، کعبه را طواف کند به بیت معمور در عالم مثال صعود می‌کند، آنگاه اگر وظایف آن مرحله را هم ایفا کرد، به مقام عرش اله بار می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، صص ۳۸۸-۳۸۷).

طواف، قرب به خداست؛ طواف غیبت از ماسواست. طواف خانه خدا، دل‌ها را صیقل می‌دهد و سر آدمی را با خدا مأنوس می‌کند. طواف قرب، انسان را از هستی وابسته می‌رهاند، طواف انس، آدمی را به معراج می‌برد، و آتش عشق به خدا را در دل انسان شعله‌ور می‌کند. مرد خدا در حین طواف هوش از کف می‌دهد و تنها لقای حق او را به هوش می‌آورد. طواف عشق، امیدواری به رحمت و عفو الهی و تمنای وصال است. لذت باطنی با ظهور محبوب حقیقی در اختیار زائر قرار می‌گیرد، وحشت از وجود او زایل می‌شود و انس و عشق به جای آن می‌نشیند (فعالی، ۱۳۸۷ش، صص ۳۶۳-۳۵۸).

نتیجه آن که طواف کعبه از طریق نزدیک ساختن طواف کننده به خدا و ایجاد صمیمیت میان او و معبودش، انس با او را سبب می‌شود و دل زائر را آرامش می‌بخشد. او به هنگام طواف، رحمت و عفو الهی را با تمام وجودش دریافت می‌کند. طواف کننده، قدرت و عظمت خداوند را می‌بیند و خود را در پناه آن ذات بی‌چون احساس می‌کند. آنچه برای طواف کننده مهم است، آرمیدن در کنار معبود و برخوردار شدن از آسایش در محضر اوست و چون به این مقام دست یافت دیگر نه غصه‌ای دارد و نه مشکلی که به خاطر آن، احساس ناامنی و نگرانی کند. همه این‌ها به زائر امنیت می‌بخشند و او را از نگرانی‌ها و دغدغه‌های مادی و معنوی نجات می‌دهند.

نماز طواف

نماز از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عبادت‌هایی است که از سوی خداوند متعال تشریح شده است. نماز تنها مجموعه‌ای از اذکار و حرکات نیست، بلکه در آن اسرار و رازهای معنوی بسیاری نهفته است. نماز، اعتراف به عبودیت است. نماز انسان را در مقام بندگی قرار می‌دهد و بندگی، انسان را به عروج و آسمان می‌برد. نماز، بنده را به محضر خداوند می‌برد و او را در مقابل پروردگار قرار می‌دهد (فعالی، ۱۳۸۷ش، ص ۴۰۷).

یکی از اعمال حج، نماز طواف است که پس از طواف، در نزد مقام ابراهیم انجام می‌گیرد. نماز مشاهده اسرار عالم هستی است و نماز طواف، قلب زائر سالک را به مقام شهود حق می‌رساند. آنچه از نماز طواف قرار است عاید زائر خانه خدا شود عبارت است از بریدن از خلق و لذت‌های دنیوی و به دست آوردن وصال دوست و رسیدن به لذت‌های معنوی.

این امر، دنیا را در نظر زائر حقیر می‌سازد و مشکلات و مسائل آن را در نگاه او ناچیز جلوه می‌دهد. درک حضور حق و ادراک صفات جمال و جلال الهی به هنگام نماز طواف، باعث می‌شود زائر دلی آرام و قلبی مطمئن به دست آورد و از آرامش و امنیت روانی برخوردار گردد.

سعی

حج گزار باید پس از انجام نماز طواف، میان صفا و مروه سعی کند؛ یعنی از کوه صفا به مروه برود و از مروه به صفا باز گردد و این عمل را هفت بار تکرار کند. خداوند متعال در قرآن کریم، صفا و مروه را از شعائر می‌داند؛ «إِنَّ الصَّفاَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» (بقره: ۱۲۵). به گفته برخی، صفا اشاره است به صفوت دل دوستان در مقام معرفت؛ و مروه، اشاره است به مروت عارفان در راه خدمت (میبدی، ۱۳۵۷ش، ج ۱، ص ۴۳۰). آن صفوت و این مروت در نهاد بشریت است و قلب آدمی از این صفا و مروت و بانور خدایی منور می‌شود. سعی موجب می‌شود درون آدمی پاک گردد، گناهان زایل شوند و سیاهی از قلب انسان زدوده گردد و به دنبال آن، انوار الهی باطن زائر را فرا گیرد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۹).

از سوی دیگر، می‌توان گفت داستان سعی، حکایت توکل است. ابراهیم علیه السلام بر اساس رسالت خویش، زن و فرزند را در بیابانی تفتیده، تنها رها کرد و رفت. کدام پدر و همسری در شرایط عادی با خانواده خویش چنین می‌کند؟ کجاست عاطفه پدری و همسری؟ اما ابراهیم علیه السلام با عمل به دستور خداوند در این باره، درس توکل در شرایط سخت و دشوار را به همگان داد.

سعی صفا و مروه همچنین یادآور تلاش و رفت و آمد هاجر میان دو کوه برای یافتن آب برای فرزندش اسماعیل علیه السلام است. داستان هاجر حاکی از یک امر مهم است و آن این که دنیا جایگاه امید است. آنگاه که گرد ناامیدی بر چهره هاجر نشست بود، خسته و نگران دست و پا زدن کودک خویش را می‌نگریست، ناگاه در زیر پای او چشمه‌ای با آب گوارا جوشید؛ بدین ترتیب، امیدها دقیقاً در ناامیدی‌ها لانه کرده‌اند و از اوج ناامیدی است که امید می‌روید. بنده مؤمنی که به خدا اعتماد کرده و به امید او سعی می‌کند، هرگز ناامید نمی‌شود. اساساً ناامیدی از خدا معنا ندارد.

آنچه از نتایج سعی گفته شد، دقیقاً با امنیت روانی ارتباط دارد. آمرزش گناهان که از نتایج سعی شمرده شد، تأثیر بسیاری در احساس امنیت خاطر و آرامش آدمی

دارد. آدمی که از بابت بخشیده شدن خطاهایش خیالش راحت است در وجود خود احساس آرامش می کند.

همچنین گفته شد که از درس های مهم سعی، فراگیری توکل است. انسان متوکل، کارهای خود را به خدا واگذار کرده و می داند که خداوند جز خیر برای او نمی خواهد و آنچه برای او از سوی خداوند پیش بیاید، برایش خیر است هر چند که زندگی او را پرتلاطم سازد و او را به انواع مشکلات مبتلا سازد. از این رو، این فرد، از آرامش و امنیت روانی خاصی برخوردار است. سختی ها و مصیبت ها او را از خود بی خود نمی کند و احساس امنیت او را به هم نمی زند.

درس دیگر سعی، یادگیری امید و افزایش انگیزه برای رسیدن به هدف است. امید انسان به گشایش الهی در مشکلات زندگی و نیز امید به او در حسابرسی روز جزا، دل را آرام می کند و از نگرانی ها و دغدغه های آدمی می کاهد؛ بدین ترتیب، می توان گفت سعی به عنوان یکی از اعمال حج، تقویت آرامش و امنیت روانی زائران خانه خدا می باشد.

وقوف در مشاعر مقدس

نخستین مرحله از مناسک حج تمتع، بعد از احرام آن، وقوف در مشاعر مقدس (عرفات، مشعر و منا) است؛ آن سان که خداوند مناسک حج را به حضرت ابراهیم علیه السلام ارائه و تعلیم داد و همان حج ابراهیمی را به رسول الله صلی الله علیه و آله آموخت.

وقوف در عرفات برای آن است که انسان به معارف و علوم دینی واقف شود و از اسرار الهی نظام آفرینش آگاه گردد. وقوف در عرفات، همچنین برای دعا و نیایش با خداوند است.

روز عرفه، روز دعا و نیایش است. نقش دعا در وصول به رحمت بی کران الهی را می توان در این حدیث از امام صادق علیه السلام ملاحظه کرد که فرمود:

«الدُّعَاءُ كَهْفُ الْإِجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ الْمَطْرِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۷۱).

«دعا قرارگاه اجابت است؛ همانطور که ابر، قرارگاه باران است.»

چنانچه کسی با حسن ظن و خالصانه و عارفانه و به نحو عام دعا کند، خداوند هم اجابت خواهد کرد. دعا و نیایش در صحرای عرفات نیز، در صورتی که با خلوص نیت و توجه کامل انجام گیرد، می تواند اجابت حق تعالی را به دنبال داشته باشد.

دعا و راز و نیاز با خدا، تفکر در خویشتن و کنار زدن حجابها میان خود و خالق، اسباب کنار گذاشتن خودبینی و پرواز روح در عالم معنویت را فراهم می کنند؛ و همه اینها در ایام حج و به ویژه به هنگام وقوف در مشاعر مقدس؛ از جمله در عرفات قابل حصول می باشد.

اطمینان یافتن انسان به استجابت دعاها و برآورده شدن خواستهها و نیازها، از عوامل مهمی است که به آدمی امنیت خاطر و آرامش می دهد. از این گذشته، کنار رفتن حجابها میان آدمی و خدای متعال و به دنبال آن، ارتباط نزدیک و بدون پرده با او، آدمی را به فراتر از عالم ماده می برد و این دنیا را با همه بزرگی اش در نزد او حقیر و ناچیز می گرداند. دیگر چیزی در این دنیا نظر او را به خود جلب نمی کند که باعث نگرانی اش شود و امنیت روانی او را خدشه دار کند. احساس آرامش و شعف معنوی ای که سراسر وجود او را فرا گرفته، بر احساس امنیت او می افزاید و آرامش روانی او را مضاعف می گرداند.

سایر اعمال و مناسک حج نیز به همین ترتیب است. با کنار زدن پردههای غفلت و گناه، از میان بنده و خدا، او را به سرچشمه هستی وصل می کنند و از لذتی معنوی برخوردار می سازند؛ به گونه ای که دنیا با همه لذتها، زیباییها و دل بستگی هایش در نظر او، ساده و کم اهمیت جلوه می کند و در نتیجه نمی تواند آرامش و اطمینان قلبی او را بر هم بزند. امنیت روانی او دیگر به نداشتن مشکل دنیوی وابسته نیست بلکه بسته به ارتباط قلبی و روحی او به خداوند است که هیچ گاه خلل نمی یابد و آسایش او را خدشه دار نمی کند.

ج. اماکن حج و امنیت روانی

نقش اماکن و مشاعر مقدس در تأمین امنیت روانی حاجیان، بسیار مهم و تعیین کننده است، به گونه‌ای که حاجیان به هنگام حضور در آن مکان‌های مقدس در فضایی با معنویت فوق‌العاده به سر می‌برند. به یقین حضور در یک مکان خاص بر روح و جان انسان‌ها تأثیرگذار است. خداوند نیز برخی مکان‌ها را بر برخی دیگر برتری بخشیده و آنها را از قداستی خاص بهره‌مند ساخته است. حتی صرف حضور در مکان‌های مقدس بر آدمی تأثیر می‌گذارد؛ گذشته از آن که عبادت در اماکن خاصی توصیه نیز شده است. علامه حسن‌زاده آملی می‌نویسد:

«... بدان که مکان‌ها را همچون وقت‌ها تأثیری خاص است... و روایات در این باب بسیار است؛ مثلاً در جوامع روایی آمده است که فرایض را در یک محل مخصوص و معین منزل بخوانید؛ یعنی برای خود مصلاًئی خاصی برای ادای فرایض قرار دهید و در وقت احتضار، شما را در آنجا گذارند که موجب تخفیف شداید و غمرات موت است؛ ولی نوافل را در اماکن متعدّد بخوانید که برای شما شاهد باشند...» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱ ش، صص ۵۸-۵۹).

همچنین قاضی سعید قمی می‌نویسد:

«بدان که مکان‌ها در محبوب ساختن دل از خدا و توجه به آن حضرت مؤثرند...؛ پس بین در کجا نماز می‌گزاری و نسبت به حضرت ذوالجلال در چه مرتبه‌ای هستی...؟» (فهری زنجانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۴۰).

مناسک حج در یک مکان انجام نمی‌گیرد بخشی از آن در درون شهر مکه در مسجدالحرام و مسعی انجام می‌گیرد و بخش زیادی از آن نیز در بیرون مکه در صحراهای عرفات، مشعر و منا انجام می‌شود. هر یک از این مکان‌های مقدس نقش ویژه‌ای در افزایش احساس آرامش و امنیت روانی زائران خانه خدا ایفا می‌کنند. زائران خانه خدا در این مکان‌ها از طریق ارتباط قلبی با خدای متعال، از یک احساس رضا و خشنودی بهره‌مند می‌گردند. لذا احساس نگرانی و اندوه به دلیل مشکلات و مسائل زندگی دنیوی برای آنان معنا ندارد. نقطه اشتراک همه آنها در اتصال زائر به خداوند و دل‌کندن از دنیا است که

باعث می شود فرد، غم دنیا و مسائل آن را از دل بیرون کند و به دنبال آن، دغدغه‌ها و ناآرامی‌های او زائل گردد.

از این گذشته، همان‌طور که گفته شد، نفس حضور در آن مکان‌های مقدس، با ارزش است و در تکامل آدمی تأثیر مثبت می‌گذارد. به دلیل ارتباط خاص این اماکن با خدا و توجه ویژه او به آنها، حاضر شدن در آن مکان‌ها دل آدمی را آرام می‌کند و بر احساس امنیت او می‌افزاید. حضور در مکان‌های مقدس مکه دل را صفا می‌دهد، روح آدمی را با خدا و غیب آشنا می‌کند، جایگاه آنها را در وجود آدمی بالا می‌برد و ارزش مادیات را در نزد انسان کاهش می‌دهد. اکثر دل‌نگرانی‌ها و تنیدگی‌های آدمی ناشی از به خطر افتادن نعمت‌ها و برخوردارگی‌های مادی است. هنگامی که با حضور در یک موقعیت و مکان خاص و مقدس، این امور در نزد آدمی کم‌ارزش گردد، به‌طور طبیعی، نگرانی‌ها و احساس ناامنی‌ها نیز رخت برمی‌بندند و آرامش بر وجود آدمی حاکم می‌گردد.

در ادامه، به توضیح مختصر نقش برخی از اماکن مقدس سرزمین وحی در تأمین و افزایش امنیت روانی زائران می‌پردازیم:

کعبه

در میان مکان‌های مقدس، کعبه از بالاترین جایگاه برخوردار است. خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾

«نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه واقع شده، که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است» (آل عمران: ۹۶).

بنیان‌گذاری و تعیین ابعاد و شکل کعبه به هدایت الهی بود. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا﴾ (حج: ۲۶). جایگاه کعبه و تعیین مکان و هندسه تأسیس آن بر مبنای توحید محض است که هیچ شرکی؛ اعم از شرک جلی، مانند بت‌پرستی، و شرک خفی مانند ریا، آن را آلوده نمی‌سازد. تبلور توحید در یک مکان مقدس، امنیت‌آور است و حاضران در آن را از احساس امنیت برخوردار می‌کند.

حضور در کنار کعبه و نیز نگاه به آن، از عبادات است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۰). همچنین داخل شدن در کعبه از مستحبات است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶ش، ص ۸۲ - ۷۸). این کار به ویژه برای کسی که برای نخستین بار به حج مشرف شده، مستحب می باشد (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۳۸). ورود به کعبه، ورود به رحمت و الطاف خداوند، و خروج از آن، خارج شدن از گناهان است (همان، ص ۷۸). نگاه به خانه خدا و حضور در درون کعبه، احساس حضور در محضر خداوند و قرار گرفتن در سایه رحمت الهی را به زائر می دهد؛ در نتیجه، او از آرامش و امنیت خاطر بالایی برخوردار می شود.

مسجد الحرام

پس از خانه کعبه، مسجد الحرام است که با فضیلت ترین مکان در نزد خداوند می باشد. در حدیثی از رسول الله ﷺ می خوانیم:

«أَعْظَمُ الْمَسَاجِدِ حُرْمَةً وَأَحَبُّهَا إِلَى اللَّهِ وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى، الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ».

«محترم ترین، محبوب ترین و گرامی ترین مساجد نزد خداوند متعال، مسجد الحرام است» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶ش، ص ۶۱).

حتی بعضی از اماکن در درون مسجد الحرام، مثل فاصله بین رکن (ضلع حجر الأسود) تا مقام ابراهیم یا رکن یمانی نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشند و عبادت و دعا در آن مکان ها ارزش بیشتری دارد (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۴۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۰۹).

بدین ترتیب، مسجد الحرام، با فضیلت ترین مسجد است. حضور در مساجد به طور کلی مورد توصیه اهل بیت علیهم السلام است. این عمل، گذشته از آن که عبادتی ارزشمند است و باعث تقرب به خداوند می شود، تأثیر قابل توجهی در احساس آرامش و امنیت خاطر افراد ایفا می کند. در حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «مساجد خانه های پارسایانند و کسی که مسجد خانه او باشد، خداوند برای او راحتی و آسایش و عبور از صراط را تضمین می کند.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۶۲).

فضای مسجدالحرام از معنویت و نورانیت خاصی برخوردار است که در هر جا مشاهده نمی‌شود. حضور در این مسجد، احساس حضور در محضر خداوند در بالاترین وجه آن را به آدمی می‌دهد، وجود آدمی را حلاله‌ای معنوی و نورانی فرامی‌گیرد که در نتیجه آن، فرد از لذتی بهره‌مند می‌شود که همه غم‌ها و مشکلات و نگرانی‌های دنیوی در برابر آن، ناچیز جلوه می‌کند. نتیجه این امر، آرامش و امنیت خاطری است که نصیب زائر خانه خدا می‌گردد.

مسعی

مطابق آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، صفا و مروه و محل سعی نیز از مکان‌های پرفضیلت است؛

﴿إِنَّ الصَّفاَ وَ الْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا...﴾.

«صفا و مروه، از شعائر (و نشانه‌های) خداست! بنابراین، کسانی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می‌دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند (و سعی صفا و مروه انجام دهند...)»، (بقره: ۱۵۸)

مسعی از مکان‌های مقدس و مورد توجه و عنایت خداوند است که حاضران در آن و انجام دهندگان سعی صفا و مروه نیز در ظل عنایات الهی قرار دارند. مسعی خود محبوب خداوند است، به این دلیل که زورگویان و گردن‌کشان در آن، ذلیل و سرشکسته می‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۳۴). حضور در مسعی زمینه‌ساز یاد خدا و پرواز روح در عالم ملکوت است. حاضر شدن در مسعی برای عمل سعی، موجبات نازل شدن نعمت‌ها و الطاف الهی بر زائر و آمرزش گناهان او می‌شود. نورانیت به دست آمده در این مکان مقدس، بندگی خدا را محبوب آدمی می‌گرداند و محبت دنیا و مظاهر آن را در دل آدمی ضعیف می‌سازد. با کاهش علاقه انسان به دنیا، نگرانی‌های او درباره دنیا و مال و منال و دیگر نمودهای آن، زایل می‌گردد و احساس آرامش و امنیت روانی بر وجود او حاکم می‌گردد.

مکه

در سطحی گسترده‌تر، شهر مکه قرار دارد که مسجدالحرام و مسعی را دربر گرفته است. روایات بسیاری درباره جایگاه والای کعبه و فضیلت عبادت در آن وارد شده است. امام صادق علیه السلام شهر مکه و خاک سنگ و درخت و کوه و آب آن را محبوب‌ترین زمین در نزد خدای متعال معرفی می‌کند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۴۳)، نماز (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۸۶)، تلاوت قرآن (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۲۷)، تسیح و تقدیس خداوند (همان) و سجده در برابر او (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۲۸) در مکه از مواردی است که در روایات به آنها پرداخته شده است. حتی خوابیدن در مکه عبادت محسوب می‌شود (همان).

شهر مکه در محدوده حرم ابراهیمی قرار گرفته و از امنیت خاص برخوردار است. در کنار آن، محبوبیت آن و توجه ویژه خداوند به آن و حاضران در آن، مایه نورانیت و آرامش فوق العاده افراد در آن می‌گردد. امید به خداوند در آن مکان مقدس و الطاف بی‌نهایت او بر بندگان خود از جمله بر گنهکاران، به آنان آرامش می‌دهد، آنان را نسبت به آموزش گناهانشان و قرار گرفتن در سایه رحمت او امیدوار می‌سازد. این‌ها همه مایه آرامش، آسایش و امنیت روانی افراد خواهد شد.

مواقف

وقوف در عرفات و مشعر و منا از اعمال بزرگ و عبادات ارزشمند در حج است. مواقف جایگاه برخوردار شدن از معرفت بالا و شعور مضاعف و رسیدن به آرزوهای واقعی از سوی خداوند است.

یکی از مواقف مهم که زائران خانه خدا بعد از ظهر روز نهم ذی‌الحجه را در آنجا سپری می‌کنند، عرفات است. عرفات، سرزمین بسیار مقدسی است که خداوند کریم، آن‌جا را برای ضیافت و پذیرایی از میهمانان خود، مقرر فرموده و سفره خاص انعام و اکرامش را در دامن «کوه رحمت» گسترانیده و از کافه میهمانان و واردین، دعوت کرده است تا در ساعتی معین، همه با هم بر گرد خوان نعمت بی‌دریغش بنشینند و از بحر مواج

کرم و رحمت بی کرانش، هر یک به قدر ظرفیت و استعداد خویش برخوردار شوند (ضیاء آبادی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۶). در برخی از روایات، حج با حضور در عرفات برابر دانسته شده است؛ به عنوان مثال، پیامبر خدا ﷺ فرمود: «الْحُجُّ عَرَفَاتٌ»؛ «حج عرفات است» و این جمله را سه بار تکرار کرد (ترمذی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۵۷). مواقف دیگر؛ یعنی مشعر و منا نیز از جایگاه والایی برخوردارند و بر زائران بیت الله الحرام، تقرب به خداوند و بهره‌مندی از الطاف او را نوید می‌دهند.

شناخت خدا و اسرار الهی در کنار بهره‌مندی از تقوای الهی، دیدگان زائر بیت الله الحرام را به سوی ماورای جهان مادی می‌گشاید و او را در ساحل امن خداوند قرار می‌دهد. صفا و آرامشی که حاجی در آن لحظات و ساعات دریافت می‌کند، با هیچ لذتی قابل مقایسه نیست. در این حال است که زائر با ورود به منا و راز و نیاز با خدا و انجام اعمال آن؛ یعنی قربانی، حلق و رمی جمرات، در جستجوی آرزوهای خود است. این اعمال و جست‌وجوی این خواسته‌ها جز در سایه برخورداری از آرامش درون و امنیت روانی ممکن نیست.

د. اوقات حج و امنیت روانی

زمان انجام حج نیز می‌تواند در تأمین امنیت روانی حاجیان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. در این باره توجه به چند نکته ضروری است:

الف؛ می‌دانیم که قسمت زیادی از اعمال حج، در دهه اول ذی‌الحجه انجام می‌گیرد. این امر بر جلالت جایگاه این دهه دلالت می‌کند. مطابق برخی روایات، هیچ زمانی نزد خدای سبحان، بهتر و پُربرکت‌تر و به لحاظ پاداش‌دهی بر کار خیر، برتر و پُراجزتر و برای انجام عمل صالح، محبوب‌تر از ده روز نخست ذی‌حجه نیست (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۲۱). به هر حال، به دلیل جایگاه والای این ایام در نزد خداوند، حج نیز در این ایام قرار داده شده است (همان، ج ۱۱، ص ۲۳۲).

ب؛ زمان برگزاری حج، ماه‌های شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه است که «اشهر حج» نامیده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۸۹). البته این ماه‌های شروع حج است

و گرنه عمده اعمال حج در دهه اول ذی الحججه - به ویژه روزهای نهم تا دوازدهم - انجام می شود.

دهه اول ذی حجه و ایام حج، در دل ماههای حرام قرار گرفته است؛ چون ماه ذی قعدة و ذی حجه و محرم از ماههای حرام است و دهه ذی حجه، چهارمین دهه ماههای حرام است. حاجی با حضور در حرم الهی، در بستر زمان حرام و دارای حرمت ویژه نیز قرار می گیرد. در ماههای حرام آغاز جنگ حرام است و بر مُحرم نیز حمل سلاح و جدال تحریم شده است (بقره: ۲۱۷؛ مائده: ۲).

می توان گفت یکی از اهداف اصلی قرار گرفتن ایام حج در ماههای حرام، تأمین امنیت زائران خانه خداست تا در فضایی امن و بی دغدغه به عبادت و راز و نیاز با خدای متعال پردازند؛ چرا که با تأمین امنیت روانی است که آدمی می تواند با خاطری آسوده با خداوند ارتباط برقرار کند. تشریح مناسک حج در ماههای حرام، اوج امنیت و تأمین فکری و ایجاد فرصت و فراغت روحی، برای پرداختن به عبادت و تأمین اهداف حج است تا حاجیان از مسائل ابتدایی نیازهای آغازین، فارغ شده و به موضوعات و نیازهای متعالی پردازند (معاونت امور روحانیون، ۱۳۸۵ ش، ص ۸۹).

نتیجه گیری

در پایان این نوشتار می توان چنین نتیجه گرفت که زائران خانه خدا به هنگام ادای مناسک، از جهات مختلف از آرامش و امنیت روانی برخوردار می شوند. از سویی، خداوند محدوده حرم را مکان امن اعلام نموده و از هرگونه قتل و خونریزی منع کرده است؛ و از سوی دیگر، خود مناسک حج، حضور در اماکن مقدس و قرار گرفتن حج در ایام خاص و ماههای حرام، بر امنیت روانی زائران می افزاید. البته همه اینها برای آن است که زائران بتوانند با خاطری آسوده و بدون دغدغه، بالاترین بهره را از عمل خود ببرند. در عین حال، هرچند موقعیت حرم ابراهیمی مختص همان مکان است، با این

حال، سایر مؤلفه‌ها؛ به‌ویژه برقراری ارتباط خاص با خداوند و قرار گرفتن در سایه امن الهی در همه مکان‌ها و زمان‌ها مقدور می‌باشد. از این‌رو، بهره‌مندی از امنیت روانی در ایام حج می‌تواند مقدمه‌ای برای برخورداری از آن، در طول عمر و پس از بازگشت از سفر حج در نظر گرفته شود.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۰ق، صحیح البخاری، قاهره، جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة چاپ ۲
 ۲. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۱۹ق، الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، قاهره، دارالحديث، چاپ ۱
 ۳. جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶ش، تفسیر کوثر، قم، مؤسسه انتشارات هجرت.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش، صهبای حج، قم، مرکز نشر اسراء.
 ۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، چاپ اول.
 ۶. حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۷۱ش، رساله نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، قم، انتشارات تشیع.
 ۷. حلی (علامه)، حسن بن یوسف، ۱۹۸۲م، نهج الحق و کشف الصدق، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، چاپ اول.
 ۸. خلجی، سمیه، ۱۳۹۶ش، حج و امنیت روانی حجاج از منظر آیات و روایات (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه قرآن و حدیث.
 ۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، دارالشامیة، دمشق / بیروت.
 ۱۰. شاملو، سعید، ۱۳۸۶ش، بهداشت روانی، تهران، انتشارات رشد.
 ۱۱. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چاپ ۲
 ۱۲. ضیاء آبادی، سیدمحمد، ۱۳۸۶ش، حج برنامه تکامل، تهران، نشر مشعر، چاپ ۲

۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۴. طوسی، محمدبن الحسن، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۱۵. فعالی، محمدتقی، ۱۳۸۷ش، اسرار عرفانی حج، تهران، نشر مشعر، چاپ دوم.
۱۶. فهری زنجانی، سید احمد، ۱۳۷۵ش، پرواز در ملکوت: شرح و تفسیر آداب الصلاة حضرت امام خمینی (ره)، تهران، انتشارات فیض کاشانی.
۱۷. کلاه چیان، محمود، ۱۳۹۱ش، معرفت شناسی امنیت اجتماعی، فصلنامه ره نامه سیاست گذاری، سال سوم، شماره دوم، تابستان.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۶ش، الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، چاپ اول.
۲۰. معاونت امور روحانیون، ۱۳۸۵ش، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، پیش درآمدی بر فرهنگنامه اسرار و معارف حج، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲۱. معین، محمد، ۱۳۹۳ش، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر.
۲۲. میبدی، رشیدالدین، ۱۳۵۷ش، کشف الاسرار و عدة الأبرار، تهران، امیرکبیر.
۲۳. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.